

خط پیرآموز

را بدان می نویسند: مکی، مدین، التیم، بصری، مشتق، تجاوید، سلواطی، مصنوع، حائل، راصف، معقلی، اصفهانی و فیرآموز که ایرانیان آن را استخراج کرده و بدان نویسند و خوانند ۱».

بطوریکه خوانندگان ملاحظه می فرمایند این ندیم بوضوح و صراحت مینویسد که پیرآموز خطی است که ایرانیان آن را استخراج کرده و بدان نویسند. پس این خطی بوده است ایرانی و قطعاً از خطی ایرانی استخراج شده بوده و چون این ندیم نمی دانسته از چه خطی استخراج شده متذکر آن نگردیده و گرنه چنانچه از خطی منسوب به خط عربی استخراج شده بود بطور قطع یادآور آن می گردید و یا مانند اقلامی که از خطوط کوفی و مکی معقلی استخراج شده و متذکر آنها نشده از خط پیرآموز هم بدون تذکره یاد می کرد.

ایرانیها برای آنکه خط پیرآموز دچار سرنوشت خط فارسی نگردد پس از استخراج آن با آن به نوشتن قرآن پرداختند و بدین وسیله آنرا از تعرض اعراب متعصب مصون داشتند. درحقیقت خط پیرآموز در آغاز فقط برای امور مذهبی ایرانیان بکار میرفت و علاوه بر نوشتن قرآن در مساجد و اماکن متبرکه نیز با آن بصورت تزئینی آیات قرآنی را می نوشته اند خط پیرآموز در میان ایرانیان رواج گرفت و از خط

خط مانی و خط آم دیره (آرامی) هر دو ریشه و اساسی ایرانی داشته اند، بنابراین این دو خط را به عنوان خط ایرانی می شناسیم. چنانکه می دانیم خواجه ابوالعال خط فارسی را از خطوط آم دیره (سریانی) و خط اوستائی و خط مانی استخراج کرد. لیکن چون خط فارسی مورد استفاده بها فریدیان قرار گرفت و در مظان تهمت مسلمانان بود در آن، با استفاده از خط و سف دیره، تغییراتی دادند و آن را «پیرآموز» نامیدند.

این ندیم ما را باین حقیقت رهنمون است. لیکن بمناسبت اشتباهی که فلوگل در خواندن این نام هنگام چاپ الفهرست مرتکب شد موجب گمراهی و انحراف گردید. فلوگل آن را «قیرآموز» خوانده بود. نگارنده برای نخستین بار دریافت که این کلمه «قیرآموز» است نه «قیرآموز» و فیرآموز هم معرب پیرآموز بوده است. پیرآموز در فرهنگ های فارسی بمعنی سهل و آسان معنی شده و شمس قیس رازی نیز در المعجم فی معاییر اشعار العجم آنرا بکار برده است. لکن معنی مجازی آن سهل و آسان است و به چیزی اطلاق میشود که از نظر سهولت آن پیران هم بتوانند آن را فراگیرند. نویسنده درباره خط پیرآموز قبلاً هم مقالاتی نوشت و پس از بدست آمدن نسخه های دیگری از الفهرست صحت نظر نویسنده در قرائت این نام تأیید گردید.

این ندیم می نویسد: «خطوطی که مصاحف

پیرآموز در ایران کتیبه‌های تزئینی بسیار موجود است که در اثر عدم آشنائی خط نویسان و خط‌شناسان گذشته از تاریخ تحول خط آنرا کوفی پنداشته و بدین نام خوانده‌اند .

متأسفانه خوش نویسان ایران تنها توجهشان به خوش نویسی بوده و نسبت به چگونگی پیدایش خط به تحقیق نپرداخته بوده‌اند . خاصه اینکه اشعری‌ها با تعصبی فراوان و زایدالوصف به نحو آثاری که نشان می‌داد پایه و ریشه آنها از ملل دیگر سرچشمه گرفته است می‌پرداختند و می‌کوشیدند که نگذارند سابقه و پیشینه‌ای بماند تا آیندگان راه پی‌جوئی نداشته باشند . از جمله درباره خط و پیدایش آن دست به به نشر جعلیاتی زدند و ترتیب حروف معجم را تغییر دادند و از این راه طریق کنجکاوی و پژوهش را بر روی کسانی که می‌خواستند در شناخت تاریخ خط به تجسس پردازند مسدود ساختند . و بر اساس مجعولاتی که این گروه متعصب و نژاد پرست فراهم آوردند پژوهندگان تاریخ خط را در قرون بعد دچار اشتباههای شگرف ساختند .

بازی ، حروف خط پیرآموز مقتبس از سه خط بوده‌اند يك خط و آن سه خط نیز : خط اوستائی (این دبیره) ، خط آم دبیره (خط سریانی و به جعل غریبها آرامی) و خط مانی (استرنجلو) بوده است و بدیهی است که هیچیک از این سه خط نمی‌توانسته‌اند عربی باشند .

البته این نکته قابل توجه است که از اوایل تشکیل دولت اسلامی در عربستان تا مدت هفتاد سال دفترهای دیوانی عرب را نویسندگان ایرانی اداره می‌کردند ، و این امر بدو علت بوده یکی اینکه خط کوفی بعلمت صعوبت قابل نوشتن و خواندن همگان نبود و بدین سبب کسانی که با نوشتن و خواندن آن آشنا بودند از شمارش انگشتان دست تجاوز نمی‌کردند . دیگر اینکه عرب با عدد نویسی آشنائی نداشت و از نظر اداره امور املاک و موقوفات و اقطاعات و مالیات و غیره بی‌خبر بود . دانش عدد نویسی و خط عدد نویسی و بطور کلی ریاضیات خاص ایرانیان بوده است و در

اینکه خط شماره نویسی (اعداد هندسی) متعلق به ایرانیان است جای هیچگونه شك و تردید نیست . در دیوان خلافت ایرانیان امور دیوانی (دفترها) را با خطوطی که باید گفت قلم‌هایی از خط آم دبیره (آرای معمول) بوده و حمزه اصفهانی در کتاب التنبیه از آن یاد می‌کند بشرح زیر اداره می‌کردند : قلم کده همار دبیره را برای نگاهداری دفترهای حسابداری دیوان ، گنج هماره دبیره برای نگاهداری حساب و کتاب خزائن و آتشان هماره دبیره برای نگاهداری حساب اوقاف . در حدود سال هفتاد هجری خیانت یکی از ایرانیان سبب نقل دفترها به حساب سیاق شد که آنهم از ابتکارهای خود ایرانیان بود . بهر حال بکار بردن کوفی خود معمول نبود تا در ایران هم رایج گردد ، و آننگهی خط مند اول و معمول در میان ملل عرب خط معقلی بوده است که مبتکر آنهم ابراهیم سگری بود . خط کوفی تمام مسطح بوده است و به همین مناسبت نوشتن با آن بسیار دشوار بوده است . پس از اینکه خط معقلی را ابراهیم سگری استخراج کرد این خط جایگزین خط کوفی شد . معقلی دانگی دورودانگی دیگر سطح بوده است و این همان خطی است که با شتاب در میان افواه به خط کوفی شهرت یافته است .

و اما علت اینکه خط پیرآموز را نشناخته و آن را يك نوع کوفی تحریری دانسته‌اند، این بوده است که در نقل الفهرست بوسیله فلوجل در نام فیرآموز اشتباه دست داده و آن را فیرآموز و لفظی عربی پنداشته‌اند و در نتیجه این همه گمراهی‌ها پیش آمده است . خط کتاب الانبیه (۱) خط پیرآموز است آنهم دوگونه یکی پیرآموز تزئینی که عنوانهای کتاب با آن نوشته شده و دیگری پیرآموزی که متن کتاب با آن تحریر یافته است . از خط پیرآموز آثار بسیار در دست داریم جز کتاب الانبیه کتاب ترجمان البلاغه

۱- متن کتاب نخست در دین سال ۱۸۵۹ م باهتمام زلیکمان و سپس مقداری از آغاز و انجام آن توسط بنیاد فرهنگ ایران سال ۱۳۴۴ ش. بصورت عکسی انتشار یافته است (معارف اسلامی)

رادویانی (۱) و عنوانهای کتاب منافع الحیوان و هم چنین مجلداتی از قرآن مجید. کهن ترین خط پیرآموز که اینک در دست است و نویسنده از آن آگاه است، نخست قرآنی است در گنجینه قرآن آستان قدس رضوی که صحیفه ای از آن را در اینجا آورده ایم، و دیگر کتاب صفات الشیعه بخط نصر بن عبدالله قزوینی که آن را بسال ۳۹۱ هجری نوشته است و از این کتاب هم صفحاتی در دست است بالاخره وراقی از قرآن که نزد نگارنده محفوظ است.

چنانکه گفتیم به خط پیرآموز بدان جهت نام پیرآموز دادند که نوشتن و فراگرفتن حروف آن از قلم های معقلی و کوفی و هم چنین از خطوط مشتق از خط اوستائی آسان تر بود. این نام اصطلاحی را در زبان فارسی در مواردی بکار می بردند که میخواستند بفهمانند آن مورد از مواردی است که فراگرفتن آن بسیار سهل و آسان است تا بحدی که پیران خرف هم توان فراگرفتن آنرا دارند. شمس قیس رازی در کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم آنرا در همین معنی بکار برده، اومی نویسد: «در این عهد هیچ صنعت مستخف تر و هیچ حرفت مبتذل تر از شعر و شاعری نیست برای آنکه هر پیشه که از آن کهنتر نباشد و هر صنعتی که از آن پیرآموز تر نبود تا مرد مدتی بر مزاولت آن مداومت نمی نماید و در آن مهارتی که استادان آن صنعت پسندند حاصل نمی کند» (۲) در زیر همان صفحه مرحوم دکتر محمد معین در معنی پیرآموز چنین نقل کرده اند: «بنظر نگارنده پیرآموز است یعنی چندان سهل که پیر خرف آن را بتواند بیاموزد و طبق معمول رسم الخط کتاب «پ» بصورت «ب» نوشته شده است». بدیهی است نظر استاد دکتر معین در این توجیه بسیار درست است. چنانکه مؤلف آنندراج هم می نویسد «۳» «پیرآموز: علمی که در زمان پیری بیاموزند». و از توصیف آنندراج همان معنی که مرحوم دکتر معین تعبیر کرده اند و شمس قیس بکار برده برمی آید.

از خط پیرآموز در بناهای کهن ایران در مناطقی

که زمانی در قلمرو فرمانروایی ایرانیان بوده است کتیبه های متعدد موجود است که برای نمونه بذكر چند مورد از آن اکتفا می کنیم:

- ۱- برج لاجیم
- ۲- برج رسکت.
- ۳- برج رادگان، در گرگان و مازندران.
- ۴- کتیبه در آرامگاهی در شمال اوزگند، مورخ بسال ۵۴۷.
- ۵- کتیبه مسجد قوه الاسلام در دهلی که متعلق به اواخر قرن پنجم هجری است.
- ۶- کتیبه در یکی از مزارهای غزنین متعلق به قرن پنجم هجری که با این مصرع آغاز می گردد.
«ایا خرد مندا از کار من تو عبرت گیر».
- ۷- مزار مؤنه خاتون در نخجوان که بدستور ایلدگز بسال ۵۳۱ ساخته شده است.

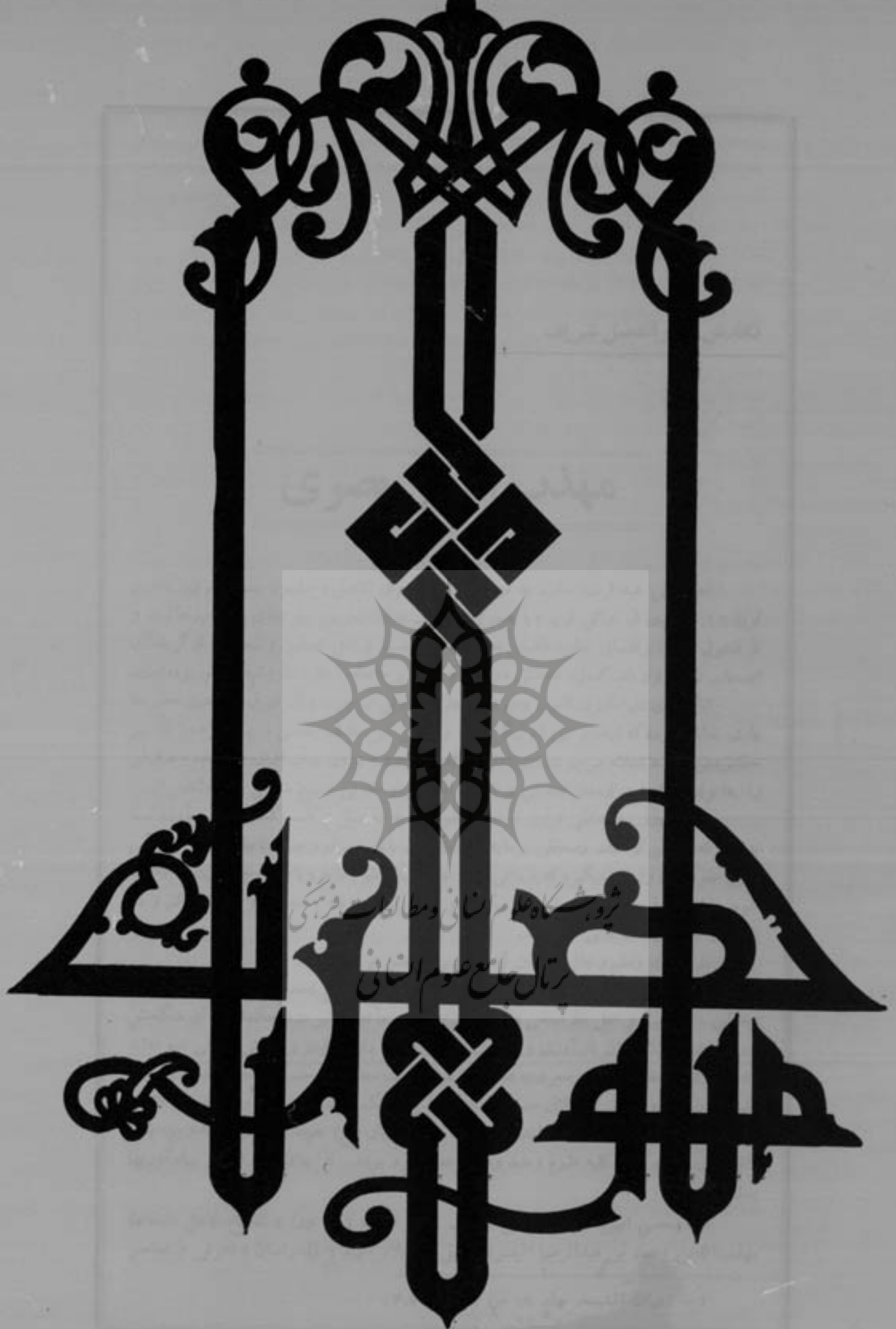
- ۸- کتیبه سلطان مسعود سوم غزنوی مورخ ۴۲۲ هـ. بطول ۲۵۰ متر. این کتیبه اثر محمد بن حسین بن مبارک خطاط شهیر ایرانی است که بسال ۵۰۵ در غزنین تحریر یافته است.
- ۹- کتیبه رباط ملک در نزدیکی های بخارا که برای یکی از ملوک قراخانی بنام شمس الملک نصر بن تغاج خان ابراهیم بسال ۴۷۱ ساخته شده است. و چند کتیبه در شوشتر و بسیاری از نقاط مختلف

ایران و مناطقی در شمال و غرب آن. خوش نویسان و هنرمندان ایرانی از خط پیرآموز نقش های تزئینی بسیار ساختند و از آن برای آرایش اطراف ظروف و اماکن مقدس استفاده میکردند که باید گفت همین توجه سبب پیدایش اقلام متنوع و زیبا در خط پیرآموز گردید و زمینه پیدایش قلمهائی بسیار زیبا در خط دری شد

۱- متن آن در ترکیه بسال ۱۹۴۹ م. با اهتمام شادروان احمد آتش به صورت فاکسیمیله چاپ شده است (معارف اسلامی)

۲- ص ۴۵۵ سطر ۹ بیعد.

۳- ص ۹۶۹



متن نوشته : یا حضرت مولانا

نمونه خط کوفی تزئینی ترسیم از خطوط سردر آرامگاه مولانا جلال الدین رومی در قونیه ترکیه